



ایران با احیای توان دفاعی و عبور از خویشتنداری های پیشین، تدارک یک درس فراموش نشدنی را برای آمریکا دیده است

سیلی دوباره واقعیت بر گونه سرخ و اشنگتن



سرمقاله

مقدس ۴۰ روزه هم تجربیات گران قدری، هم در ساحت
راهبرد، هم در ساحت تاکتیک، برای ساختار نظامی،
دفاعی و امنیتی ایران رقم زده که در درگیری بعدی با
محور آمریکایی-اسرائیلی، نتایجش به معرض دید
همگان درخواهد آمد.

حالا بهتر مشخص می شود که آنچه در پیام اخیر
رهبر معظم انقلاب توصیف شده و وعده درس های
فراموش نشدنی به دشمن داده، برآمده از منطقی است
که نشانه هایش از همین حالا در عرصه میدان هم دیده
می شود. با این حال، به نظر می رسد آمریکایی ها این
نشانه ها را نادیده گرفته و دنبال آزمون مسیری هستند
که یک بار آن را آزموده اند. نتیجه این نگاه از همین
الان مشخص است. همان گونه که پایان جنگ ۴۰
روزه، انسداد تنگه هرمز، یک گره به گره های پیشین
آمریکایی ها اضافه کرد، نتیجه درگیری احتمالی آتی
هم گره ها و معضلات دیگری به فهرست معضلات
آمریکایی ها خواهد افزود. این نتیجه طبیعی کسانی
است که سیلی واقعیت، آن ها را از توهم باطل بیرون
نیابوده است.

هم پیدا کرده اند، نشان می دهد که بازسازی توان دفاعی
و نظامی ایران، با سرعتی بیش از آنچه منابع اطلاعاتی
آمریکایی-اسرائیلی تصور می کردند، پیش رفته است.
جمهوری اسلامی ایران همچنین در دوره جدید، با کنار
گذاشتن برخی خویشتن داری ها، از خجالت بعضی
همسایگان ناسپاس هم درآمده است. همسایگانی که
نه تنها فضا، بلکه خاک خود را در اختیار کفار آمریکایی
-اسرائیلی قرار داده تا به جان و مال و زیرساخت های ۹۰
میلیون ایرانی تعرض کنند.

این ها اما همه ماجرا نیست. جمهوری اسلامی ایران در
دوره جدید، تدارک سنگین و جدی هم برای باز کردن
نبرد در جبهه های جدید دیده است. تدارکی که البته از
دید ناظران رسانه ای مرتبط با دشمن هم پنهان نمانده
و لا به لای تحلیل ها و بحث هایشان به آن اشاره دارند.
ایران در دور جدید درگیری خود، قرار نیست به تکرار
تجربه موفق منطقه ای خود در جنگ ۴۰ روزه بپردازد.
همان گونه که دفاع مقدس ۱۲ روزه تجربه های جدیدی
برای ساختار نظامی، امنیتی و دفاعی ایران به ارمغان
آورد- که نتایجش در جنگ ۴۰ روزه دیده شد- دفاع

دست بر ماشه، ضمن محافظت از دستاوردهای متعدد
جنگ، از تسلط بر هرمز گرفته تا دور کردن رینگ آتش
آمریکا از اطراف مرزهای ایران، به احیای توان نظامی
و امنیتی خود نیز پرداخت. گواه این ادعا، گزارش های
منابع نظامی و امنیتی آمریکایی از سرعت احیای توان
نظامی و دفاعی ایران در این مدت است. بر همین مبنا،
حالا که کاخ سفید، مأیوس از گرفتن امتیاز از ایران در
عرصه غیرنظامی، دوباره به تشدید تنش و آزمودن
نسخه درگیری رودر روروی آورده، ایران نه تنها غافلگیر
نشده، بلکه با عزم و توانی مضاعف به مصاف دشمن
رفته است.

ضربات اخیر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، چه
در جبهه جنوبی و دریای عمان و خلیج فارس و تنگه
هرمز و منافع آمریکایی ها در کشورهای حاشیه خلیج
فارس، چه در جبهه غربی و پایگاه های آمریکا در کشور
اردن، در کنار اقدامات قاطع برای شکست گردن و کمر
تروریست های تجزیه طلب در جداره مرزی کشور، به
روشنی اثبات می کند که ایران ترسی از تشدید تنش
ندارد. این ضربات، که از قضا از نظر کیفی به شدت ارتقا

برخلاف تصویری که رئیس جمهور ایالات
متحده، چه در زمان ارائه پیشنهاد آتش بس، چه در
زمان انعقاد توافق نامه، نشان می داد و جنگ با ایران
را خاتمه یافته تلقی می کرد، اما این سو، در ایران، نه
مقامات، نه مردم، هرگز به این وعده ها و تصویرها
اعتماد نکردند. جمهوری اسلامی ایران، هرچند در
عین آمادگی نظامی و درگیری با ایالات متحده، مسیر
کاهش تنش را انتخاب کرد، اما این انتخاب ناشی
از ضعف و دست خالی نبود. ایران، در حالی موقتاً
فتیله آتش جنگ را پایین کشید و به وساطت بعضی
همسایگان به کارزار دیپلماتیک آمریکا رفت که تنگه
راهبردی هرمز همچنان تحت کنترلش بود و با جامه
عمل پوشاندن به وعده رهبر شهید و منطقه ای کردن
جنگ، ضربات سنگینی به دشمن آمریکایی وارد کرده
بود.

ایران یقین داشت که دشمن دست از دشمنی و عداوت
بر نخواهد داشت. از این جهت، پذیرفتن خاموشی
موقت صحنه نبرد نظامی، هیچ گاه و هرگز برای ایران به
معنای اتمام جنگ تعبیر نشد. برعکس، در این مدت،

روایت بدرقه آقای شهید ایران

خبر شهادت

سفره ی سحری را جمع کرده بود و توی آشپزخانه
ظرف می شست. یکهو با صدای ضربه ای بلند، دلش ریخت.
سرش را برگرداند. همسرش جلوی تلویزیون نشسته بود و
دست هایش را محکم توی سرش می کوبید. مرد چهل و چند
ساله آن قدر بلند گریه می کرد که صدایش به دیوارهای خانه
می خورد و برمی گشت. دست های پُر از کفش را شست و دودید
سمتش. قلبش تندتند می زد. نگاهی که به تلویزیون افتاد،
پاهایش سست شد؛ افتاد و با صورت روی زمین خورد.
حالا خودش را ریزریز و گهواره ای تکان می دهد و به پایش می زند.
دستش را روی پیشانی می برد و جلوی روسری حریر مشکی اش
را کمی بالا می دهد. می گوید: «تا هفت روز، پیشونیم کبود
بود.» لب می گزد و سرش را پایین می اندازد. شانه هایش می لرزد.
اشک های روی صورتش زیر نور لامپ های محل اسکان برق
می زند. می گوید: «من با خبر شهادت آقا، حال امام حسین علیه السلام
رو فهمیدم؛ اونجایی که خبر شهادت حضرت عباس رو شنید.»
دوبار پشت سر هم می گوید: «(بلا تشبیه... بلا تشبیه...)»
چند لحظه به جایی از موکت ها خیره می ماند. بعد آرام ادامه
می دهد: «(منم کمرم شکست.)»

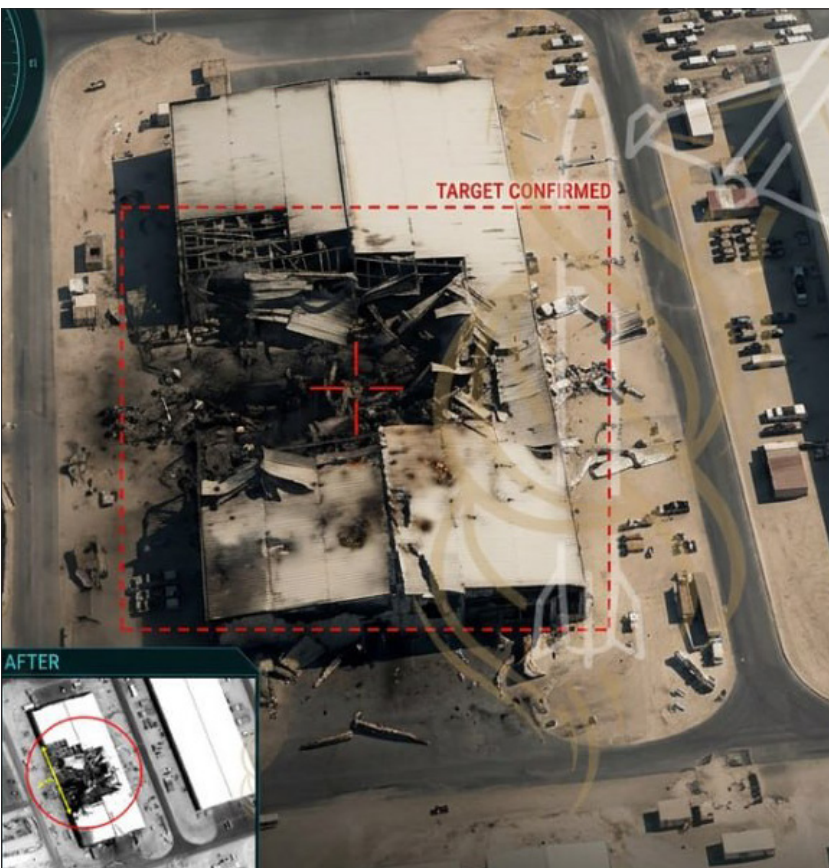
زن کناری، که دستش ستون چانه اش شده بود، بی صدا
هق هق می کرد. انگار روایت این داغ، فقط روایت یک نفر
نبود؛ اندوهی بود که میان همه ی زن های آن اتاق تقسیم
شده بود.

فاطمه اکرام رضانی

قاب

انهدام انبار لجستیکی آمریکا در العدید قطر

رزمندگان نیروی هوافضای سپاه پاسداران در موج ۱۵ عملیات نصر ۲ با رمز
مبارک "یا ابا صالح المهدی ادرکنی" و تقدیم به شهدای مظلوم جنایات اخیر امریکا،
به منظور تنبیه متجاوز و مجازات ارتش کودک کش آمریکا، حمله سنگین و
غافلگیرانه ای را به پایگاه هوایی آمریکادر العدید قطر انجام دادند که طی آن یک
سامانه راداری برد بلند و چندین فروند هواپیمای راهبردی سوخت رسان آمریکا
بطور کامل منهدم و چند فروند دیگر دچار آسیب جدی گردید.



جنگ منطقه ای

تلاش های ناکام برای دور زدن تنگه هرمز

گرفتاری در حلقه اقتدار ایران در تنگه هرمز، همان مسئله ای
است که آمریکا و دیگر متجاوزان علیه ایران را دچار بن بست کرده
است. آمریکا و متحدانش به دنبال این هستند که با ایجاد مسیرهای
جایگزین، افزایش حضور نظامی و اجرای طرح اسکورت کشتی ها،
وابستگی جهان به تنگه هرمز را کاهش دهند، اما ارزیابی های
راهبردی نشان می دهد هیچ یک از این گزینه ها نتوانسته جایگاه
این گذرگاه حیاتی را تضعیف کند. نشریه نشنال اینترست در گزارشی
تأکید می کند که برتری جغرافیایی ایران و محدودیت های فنی و
عملیاتی، طرح های دور زدن تنگه هرمز را با شکست مواجه کرده
است. به نوشته این نشریه، خطوط لوله عربستان و امارات تنها
بخش محدودی از نفت عبوری از تنگه هرمز را منتقل می کنند
و توان جایگزینی روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت و حجم قابل
توجهی از گاز طبیعی را ندارند. همچنین تلاش آمریکا برای باز نگه
داشتن تنگه از طریق قدرت نظامی یا اسکورت کشتی ها نیز، به
دلیل برتری جغرافیایی ایران، نتیجه ای نداشته است. این ارزیابی
نشان می دهد مسئله تنگه هرمز صرفاً یک موضوع نظامی نیست،
بلکه بیش از هر چیز به جغرافیا و بازدارندگی نامتقارن گره خورده
است. با وجود قدرت نظامی ایران، کنترل این تنگه از طریق قدرت
نظامی برای آمریکا و متحدانش دست یافتنی نخواهد بود. بر این
اساس، راهبرد فشار نظامی و طرح های جایگزین برای تنگه هرمز
به بن بست رسیده و تنها مسیر واقع بینانه، پذیرش مدیریت ایران
بر این تنگه است که هم امنیت کشتیرانی را تضمین می کند و هم
زمینه کاهش تنش را فراهم خواهد آورد.